

ارزیابی تطبیقی مبنای تفسیری تحریف ناپذیری قرآن کریم از منظر علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی^۱

سیدرضا مؤدب^۲، جواد جمشیدی حسن آبادی^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۸/۱۲ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۹/۲۶)

چکیده

مصونیت قرآن از تحریف از مهم‌ترین مبانی تفسیری اغلب مفسران (از جمله علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی) است. علامه طباطبایی مبنای تفسیری عدم تحریف قرآن را، در هفت بخش به تفصیل تبیین نموده است که عبارت است از: همانندی قرآن کنونی با قرآن عصر رسول الله ﷺ، معتبر دانستن روایات عدم تحریف قرآن، نقد دلایل معتقدان به تحریف قرآن، تحلیل جمع قرآن در عصر ابوبکر، تحلیل توحید مصاحف در دوره عثمان، تحلیل جمع قرآن بین‌الدفتین در زمان صحابه و نقد و بررسی روایات موهوم به تحریف. در مقابل آیت الله جوادی آملی در تبیین این مبنای تفسیری، بر اموری چون دلایل عقلی، دلایل نقلی، نواتر قرآن، شهادت تاریخ، هماهنگی قرآن با عترت، شهرت محققه به گواهی علمای فریقین تاکید دارد. مقایسه مبانی دو مفسر، نشان می‌دهد که در اصل مصونیت قرآن کریم از تحریف هر دو با یکدیگر اشتراک نظر دارند و این از مبانی مشترک صدور، دو مفسر در تفسیر قرآن است اما در مقابل در تبیین جزئیات موضوع، با یکدیگر اختلاف نظرهایی دارند که واکاوی این اشتراکات و اختلافات، نشان دهنده یک نوآوری در دیدگاه‌های آیت الله جوادی آملی است. در این مقاله، با روش توصیفی - تحلیلی و به صورت تطبیقی به دیدگاه دو مفسر یاد شده در خصوص مبنای تحریف ناپذیری پرداخته شده است. نتیجه آن که از جمله مبانی حضرت آیت الله جوادی آملی آن است که، ایشان ترتیب آیات درون سوره‌ها و ترتیب سوره‌ها را توقیفی می‌داند و جمع و تدوین مصحف شریف را به زمان حیات رسول الله ﷺ نسبت می‌دهد، در حالی که حضرت علامه طباطبایی جمع و تدوین قرآن به صورت کامل را در زمان حیات پیامبر ﷺ نمی‌داند و معتقد به اجتهادی بودن ترتیب سوره‌هاست. همین موضوع، ریشه اختلاف دیدگاه دو مفسر در تبیین مصونیت قرآن از تحریف است، که به نظر می‌رسد، سخن آیت الله جوادی آملی صحیح‌تر باشد. همچنین آیت الله جوادی آملی، استدلال علامه طباطبایی را در اثبات تحریف ناپذیری قرآن، مستلزم دوری رقیق دانسته و به نقد سخن ایشان پرداخته است، که به نظر می‌رسد ملاحظه دقیقی است.

کلید واژه‌ها: مبانی تفسیری، تحریف، علامه طباطبایی، آیت الله جوادی آملی، المیزان، تسنیم، ارزیابی تطبیقی.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری دانشجو است.

reza@moaddab.ir

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، قم، ایران، (نویسنده مسئول)؛

javadjamshidi66@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه قم، قم، ایران؛

۱. بیان مساله

وجود مبانی برای هر دانشی، امری ضروری است. در دانش تفسیر قرآن کریم، به دلیل اهمیت و جایگاه این دانش، بحث پیرامون آن مهم تر است. از آنجا که میان مفسران (حتی از یک مکتب تفسیری) درباره مبانی، اختلاف نظرهایی وجود دارد، لذا در تفسیر پژوهی، ضرورت بحث از تطبیق و ارزیابی مبانی تفسیر به ویژه مبانی مورد اختلاف و بیان اشتراکات و اختلافات این مبانی که ریشه‌ی بسیاری از اختلاف نظرهای تفسیری است دو چندان احساس می‌شود.

علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی از مفسران بزرگ معاصر شیعه هستند و عدم تحریف قرآن از مهم‌ترین مبانی تفسیری اتفاقی (مشترک) صدور دو مفسر است و هر دو در اثبات این مهم، به ادله عقلی، قرآنی، روایی و شواهد تاریخی تمسک نموده و به تفصیل در تفاسیرشان، قلم‌فرسایی نموده‌اند. این بحث در تفسیر المیزان در چند مورد به تفصیل مطرح شده و محور اصلی این بحث در المیزان، وجود صفاتی است که قرآن کریم با آن در عصر رسول‌الله ﷺ تحدی نموده است. هم‌چنین آیت‌الله جوادی آملی علاوه بر اینکه در این‌باره تالیفی مجزا با عنوان «نزاهت قرآن از تحریف» دارد، در تفسیر تسنیم نیز به تفصیل به این موضوع پرداخته است و نظر استاد خویش (علامه طباطبایی) را بیان و مورد نقد و بررسی قرار داده است. این مقاله بر آن است تا به مبنای تفسیری تحریف‌ناپذیری قرآن کریم از منظر علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی پرداخته و روشن کند که مبنای این دو مفسر چه اشتراکات و چه افتراقاتی دارد و ریشه‌ی این اختلاف دیدگاه چیست؟^۱

۲. مقدمه

با توجه به هدف این نوشتار که ارزیابی تطبیقی مبنای تفسیری تحریف‌ناپذیری قرآن

۱. لازم به ذکر است با بررسی‌های انجام شده، پژوهشی، با موضوع ارزیابی تطبیقی و مقارنه‌ای مبنای تفسیری تحریف‌ناپذیری قرآن کریم از منظر علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی، و مشابه آن، تاکنون انجام نشده است و این امر، بدیع بودن و ضرورت انجام این پژوهش را تأیید می‌نماید.

کریم از منظر علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی است، در ابتدا با معنای مبانی تفسیری، تحریف، انواع آن از نظر مفسران به ویژه علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی آشنا می شویم.

۲-۱. معنای مبانی

واژه‌ی مبانی جمع مبنا از ریشه‌ی بنی در لغت به معنی اساس و بنیاد، بنا، شالوده، پایه و بنیان و ریشه و اصول مسلم یک شی است (ابن فارس، ۳۰۲/۱؛ عمید، ۱۰۴۸؛ دهخدا، ۲/۲۵۷۷؛ مصطفوی، ۳۴۰/۱؛ معین، ۳/۳۷۷۷). مبانی در اصطلاح، به معانی مختلفی بیان شده است. (نک: میبیدی، ۳۷؛ بابایی، ۲۰/۱؛ شاکر، ۴۰). مراد از اصطلاح مبانی تفسیری در این نوشتار، آن دسته از قضایا و اصول اساسی است که اثبات و نفی‌شان در چگونگی تفسیر، اثری بنیادین ایفا می‌کند مانند اثبات یا نفی وقوع تحریف در قرآن کریم و... مبانی تفسیر به اقسام گوناگونی همچون مبانی صدوری و دلالی، مشترک و مختص و... تقسیم می‌شود. (نک: مودب، مبانی تفسیر قرآن، ۳۹-۴۱؛ مودب، روش‌های تفسیر قرآن، ۴۰؛ شاکر، ۴۰-۴۲؛ محمدی‌شهری، ۳۴؛ عمیدزنجانی، ۶). مصونیت قرآن از تحریف از مبانی مشترک (اتفاقی) صدوری است.

۲-۲. معنای تحریف

حرف در لغت، به معنی لبه، کنار، مرز، گوشه است (جوهری، ۴/۱۳۴۲؛ راغب اصفهانی، ۱/۲۲۸؛ ابن منظور، ۹/۴۱). به طور کلی تحریف در لغت به معنای مایل کردن، کج کردن و تغییر دادن آمده است. تحریف کلام، بد معنا کردن، سوء تعبیر و سوء تفسیر است و تحریف کلمه، جابه جا کردن کلمه می‌باشد. (طباطبایی، قرآن در اسلام، ۱۴۳؛ نک: زمخشری، ۲/۱۴۶). تحریف در اصطلاح، به چند معنی به کار می‌رود: تغییر معنای کلام، به این نوع تحریف، تحریف معنوی یا تفسیر به رای هم گویند. (ابن ابی جمهور، ۴/۱۰۴)؛ به

معنای نقص یا زیادتی در حروف یا حرکات قرآن با حفظ و مصونیت اصل قرآن کریم. (خویی، ۲۶۴؛ معرفت، صیانة القرآن من التحریف، ۲/۲۳۲؛ کلینی، ۲/۶۳۰)؛ تغییر کلمه‌ای به جای کلمه مرادف آن (الحجر، ۶۵)؛ تحریف در لهجه تعبیر؛ تحریف به افزودن؛ اجماع مسلمین برخلاف این است. (عسقلانی، ۸/۵۷۱؛ آلوسی، ۷/۱۶؛ خویی، ۲۶۷)؛ به معنای کاستن یا افزودن آیه یا سوره‌ای که البته موجب تغییری در قرآن نشود. (خویی، ۲۶۶)؛ تحریف به کاهش و افتادگی عمدی یا به صورت اشتباهی از قرآن کریم (خویی، ۲۶۷؛ سبحانی، ۱۵۱؛ معرفت، صیانة القرآن من التحریف، ۱۱). تحریفی که مقالات و کتاب‌های فراوان بر رد آن نگارش شده، همین نوع است.

برخی تحریف اصطلاحی را به هفت قسم تقسیم نموده‌اند (معرفت، صیانة القرآن من التحریف، ۱۱-۱۴) و برخی آنرا به شش قسم تقسیم نموده‌اند (خویی، ۲۵۵). تحریفی که در مصونیت قرآن از آن بحث می‌شود، بیشتر تحریف لفظی است نه معنوی. در قرآن کریم هر جا واژه تحریف آمده، مراد تحریف معنوی است (قرشی، ۳/۱۲۱؛ نک: طبرسی، ۳/۲۶۷ و ۸۵؛ زمخشری، ۱/۵۱۶؛ کلینی، ۸/۵۳؛ معرفت، صیانة القرآن من التحریف، ص ۱۶). در مصحف شریف، شش مورد از مشتقات تحریف به کار رفته‌است (النساء، ۴۶؛ المائدة، ۴۱/۱۳؛ البقره، ۷۵؛ الانفال، ۱۶؛ الحج، ۱۱). به نظر می‌رسد، سه عامل اساسی در شکل‌گیری دیدگاه وقوع تحریف در قرآن کریم موثر بوده است، که عبارتند از: الف) وجود روایات مبنی بر تحریف قرآن کریم ب) ابهاماتی در تاریخ جمع و گردآوری قرآن کریم ج) کمرنگی طرح موضوع امامت در قرآن کریم. (معرفت، صیانة القرآن من التحریف، ۷).

۲-۳. پیشینه تاریخی بحث تحریف‌ناپذیری قرآن

پیشینه بحث تحریف‌ناپذیری قرآن را باید هم زمان با نزول قرآن و در متن آیات وحی جستجو کرد. پس از قرآن، کهن‌ترین سند تاریخی که با بیان اوصاف قرآن بر سلامت این کتاب گواهی می‌دهد، فرازهایی از دعا‌های صحیفه‌ی سجاده‌ی

است مانند دعای ۴۲ و همچنین خطبه‌ی فدکیه‌ی حضرت زهرا(س) و سپس سخنان امام علی(ع) در نهج‌البلاغه که قرآن را به گونه‌ای معرفی کرده‌اند که امکان دستبرد در ساختار آن را منتفی می‌سازد. تحریف ناپذیری قرآن مورد اقبال جدی دانشمندان مسلمان تا دوره‌ی اخیر است و ده‌ها کتاب در زمینه‌ی سلامت قرآن از تحریف به رشته‌ی تحریر درآوردند. مفسران در مقدمه‌ی تفسیر یا در خلال تفسیر آیاتی که مربوط به موضوع صیانت قرآن از تحریف است، اصولیون در مباحث مربوط به ناسخ و منسوخ و حجیت ظواهر آیات، فقیهان در مبحث جواز قرائت هفتگانه در نماز و انتخاب یک سوره بعد از حمد و نیز در برخی از کتب معارف دینی به این موضوع پرداخته‌اند. (نک: نجارزادگان، ۷۲).

از آنجا که موضوع مصونیت قرآن کریم از تحریف، از مبانی تفسیری مهم است و به حجیت قرآن کریم و ظواهر آن مربوط می‌باشد، لذا اکثر مفسرین و قرآن پژوهان اهل سنت و تشیع به خصوص در عصر حاضر، در این موضوع، اظهار نظر نموده و کتابهای زیادی نگاشته‌اند^۱ و به کمک ادله فراوانی از جمله ادله عقلی، نقلی، شواهد تاریخی و ... به اثبات عدم تحریف قرآن پرداخته‌اند^۲ و همچنین ادله‌ی موافقان تحریف^۱ را مورد نقد قرار داده‌اند.

۱. غالب علمای فریقین قائل به تحریف ناپذیری قرآن کریم هستند. از مفسران اهل سنت: فخر رازی (۵۶۸/۲۷)، آلوسی (۳۷۹/۱۲) و ... و از مفسران شیعه: شیخ طوسی (۱۳۱/۱)، طبرسی (۲۳/۹) و ... گرفته تا مفسرین معاصر همچون علامه طباطبایی (المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۰۴/۱۲-۱۳۳)، آیت‌الله خویی (۱۶۸)، آیت‌الله معرفت (التمهید فی علوم القرآن، ۹۶)، آیت‌الله جوادی آملی (قرآن در قرآن، ۳۲۹-۳۵۰)، نجارزادگان (۱۳۸۴، ۵۰-۱۰۰) و ... همگی به مصونیت قرآن کریم از تحریف تاکید نموده و در این خصوص اظهار نظر نموده‌اند.

۲. جهت آگاهی از استدلال‌های دانشمندان اسلامی در اثبات عدم تحریف قرآن، نک: (اشرفی، ۱۹؛ نک: مصباح، ۱۹۱؛ نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۲۴-۲۵؛ کلینی، ۶۹/۱؛ نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۲۴-۲۷؛ انواری، ۱۶؛ از جمله ادله: الف. دلایل عقلی: ضرورت اتمام حجّت (نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۴۲)؛ برهان حکمت؛ برهان اعجاز قرآن (نک: معرفت، صیانة القرآن من التحریف، ۳۹؛ نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۴۴-۴۸)؛ برهان خاتمیت؛ برهان جامعیت؛ برهان تواتر (نک: معرفت، ۱۳۸۴، ص ۱۵۹)؛ ضمانت الهی (نک: معرفت، تاریخ قرآن، ص ۶۲؛ قرائتی، ۳۱۷/۶)؛ شیوه وحیانی قرآن (نک: معرفت، تاریخ قرآن، ۱۶۴)؛ شیوه بیانی؛ شیوه نزول قرآن (نک: معرفت، تاریخ قرآن، ۱۶۵)؛ تکامل خط و کتابت (نک: معرفت، تاریخ قرآن، ۱۶۶)؛ رابطه ناگسستگی اعجاز با عدم تحریف قرآن (نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۴۴)؛ قاعده لطف و هدایتگری خداوند؛ خاتمیت دین اسلام و جاودانگی آن (نک: محمدی، ۳۲)؛ ۴

از آنجا که توجه به این دلایل گوناگون، با شدت و ضعف مد نظر علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی، قرار دارد، که از این قسمت به بررسی دیدگاه‌های این دو مفسر معاصر، در زمینه مصونیت قرآن از تحریف، به صورت تطبیقی می‌پردازیم:

۳. مبنای عدم تحریف قرآن کریم از دیدگاه علامه طباطبایی

یکی از مهم‌ترین مبانی تفسیری علامه طباطبایی در تفسیر وزین المیزان اعتقاد به عدم تحریف قرآن از حیث زیاده، نقصان و جا به جایی آیات آن است. علامه طباطبایی ذیل آیه «مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» (النساء، ۴۶)؛ تحریف سخن را یا به تغییر جای الفاظ یا به تفسیر غیر واقعی از کلام، تفسیر نموده‌است. همچنین می‌فرماید: «ممکن است مراد از عبارت «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» عبارت بعدی آن که عطف بر آن شده، باشد یعنی و يقولون سمعنا و عصينا باشد» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۴/۳۶۴). که در این صورت مقصود از تحریف سخن، استعمال کلام در غیر از موارد استعمال می‌باشد.

→ دلیل عقلی - روایی (خرمشاهی، ۱/۴۹۰)؛ ضرورت تواتر قرآن کریم. (نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۱۰۶)؛ ب. آیات: آیه حفظ (الحجر، ۹)؛ آیه نفی باطل (عدم اتیان) (فصلت، ۴۱ و ۴۲)؛ آیه سوم (التوبه، آیه ۳۲)؛ آیه چهارم (القیامه، ۱۹) (نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۶۹-۷۶)؛ ج. روایات: حدیث نقلین، حدیث غدیر، احادیث عرض، احادیث وارده در ثواب قرائت سوره در نمازها و غیر آن (خوبی، ۲۱۰-۲۲۹)؛ جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۹۸-۱۰۶)؛ د. شواهد تاریخی: اهتمام پیامبر ﷺ و صحابه به قرآن (نک: طیب، ۱۳/۱-۱۴)؛ خوبی، ۲۰۷)؛ عدم اعتراض امیرالمومنین ﷺ و ائمه ﷺ؛ اهتمام مسلمین به قرآن (نک: خوبی، ۲۴۸؛ قرشی، ۵/۳۳)؛ ممانعت از افزودن حکم رجم به قرآن کریم (نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۱۲۱)؛ جلوگیری از حذف واو از قرآن (نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۱۲۲).
 ۱. شبهه تحریف قرآن از طرف جریان‌هایی در طول تاریخ اسلام ادعا شده است که از جمله آنها، حشویه از اهل سنت، غلات و کمی از اخباریان از شیعیان از جمله سید نعمت‌الله جزائری و محدث نوری، بودند و در ادامه گروه‌هایی از فریقین و همچنین مستشرقان معاند، به پیروی از این دو گروه به این شبهه دامن زدند. (نک: معرفت، ۱۳۸۶، ص ۸۶). از جمله دلایل موافقان تحریف قرآن کریم عبارت است از: روایات مبنی بر اینکه هر آنچه در امت‌های پیشین رخ داده است، در امت اسلام نیز رخ خواهد داد از جمله تحریف کتب آسمانی؛ اختلاف قرآن فعلی، با قرآن حضرت علی علیه السلام؛ تفاوت مصحف ابی بن کعب با مصحف عثمانی؛ روایات مبنی بر وقوع تغییر و نقصان در مصحف موجود؛ کمرنگی تصریح به مسأله امامت در قرآن؛ کیفیت جمع‌آوری قرآن و... که البته مخالفان تحریف قرآن کریم به نقد و رد این ادله پرداخته‌اند (نک: خوبی، ۲۳۹-۲۴۵)؛ معرفت، صیانة القرآن من التحریف، ۱۳۷؛ رامیار، ۳۵۳).

۳-۱. دلایل تحریف ناپذیری قرآن کریم از منظر علامه طباطبایی

علامه طباطبایی درباره مصونیت قرآن از تحریف، به طور مفصل بحث نموده و به دلایل قرآنی و روایی زیادی استناد نموده است. ایشان ذیل آیه ۹ سوره حجر در هفت بخش، تحریف ناپذیری قرآن را با دلایل متقن اثبات نموده است که عبارتند از:

۳-۱-۱. همانندی بخش اول: قرآن کنونی با قرآن عصر رسول الله ﷺ

اینکه در هزار و چهارصد سال پیش، رسولی به نام محمد ﷺ از نژاد عرب به رسالت مبعوث شده و معجزه‌ی او کتاب اوست که آن را قرآن نامیده و این کتاب را به خداوند متعال نسبت داده است، یکی از ضروریات تاریخ است. نیز از امور قطعی تاریخ است که پیامبر ﷺ با همین قرآن تحدی نموده است و اینکه قرآن موجود، همان قرآنی است که پیامبر ﷺ آورده و برای مردم زمانش تلاوت کرده؛ یعنی قطعاً چنین نیست که آن کتاب به صورت کامل از بین رفته باشد و کتابی دیگر نظیر آن و یا غیر آن توسط افرادی تدوین و به رسول الله ﷺ نسبت داده شده و در بین مردم مشهور و معروف شده باشد. تمام اینها اموری است که هیچ‌کس در آن شک و تردید ندارد، حتی موافقان تحریف قرآن کریم. تنها چیزی که عده‌ای احتمال داده‌اند این است که جملات کوتاهی یا آیه‌ای در آن کم یا زیاد یا جابه‌جا شده یا در الفاظ و یا اعراب آن دگرگونی اتفاق افتاده؛ اما بدون هیچ تردیدی، اصل کتاب، به همان شکل زمان رسول الله ﷺ باقی مانده است. (نک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۰۴/۱۲).

همچنین قرآن کریم با ویژگی‌ها و خواصی که نوع آیاتش واجد آنهاست، هم‌اورد طلبی نموده و تمام آیات آن، همچنان آن اوصاف را دارد، بدون اینکه آیه‌ای از آن، آن خواص و ویژگی‌ها را از دست داده باشد. از جمله این اوصاف و ویژگی‌ها: فصاحت و بلاغت قرآن، عدم وجود اختلاف در قرآن کریم (نک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۰۵/۱۲)؛ معارف حقیقی و کلیات شرایع فطری و جزئیات فضائل عقلی؛ بیان داستان امت‌های گذشته (نک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۰۶/۱۲)؛ اوصافی مانند نور، هادی، ذکر و... (نک:

طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۰۷/۱۲).

لازم به ذکر است که تکیه بر اوصاف عام قرآن کریم برای اثبات مصونیت قرآن در سایر آثار مفسران و محققان نمود آشکاری ندارد و شاید بتوان این را از نوآوری‌های علامه طباطبایی به شمار آورد، علامه در چند موضع بر آن تأکید نموده است (نک: مصباح، ۱۹۸-۱۹۹؛ جوادی آملی، نزهت قرآن از تحریف، ۸۲). این باور علامه بر تفسیر آیات نیز تاثیر گذاشته، لذا در تفسیر آیاتی که بر صیانت قرآن کریم از تحریف دلالت دارند از جمله آیه «حفظ» (الحجر، ۹) و آیه «نفی باطل» (فصلت، ۴۲)، علامه بر روی این صفات تاکید نموده است.

آیه «حفظ» دلالت دارد که قرآن کریم از حیث ذکر بودن، از تمام انواع و اقسام تحریف در امان و محفوظ است. پس قرآن، ذکری حی و زنده و پابرجاست (نک: طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۲/۱۰۴-۹۶). ایشان درباره نحوه دلالت آیه نفی باطل، بر صیانت قرآن کریم از تحریف، معتقد است، این آیه در دلالت بر اینکه کتاب عزیز و شکست‌ناپذیر، همواره به حفظ خدایی - از حیث ذکر بودن - از هر نوع تحریفی، محفوظ است. (نک: طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۷/۳۹۶-۴۰۰).

۳-۱-۲. بخش دوم: استناد به روایات مبنی بر عدم تحریف قرآن کریم

علامه طباطبایی در این قسمت پنج دلیل روایی را برای اثبات مصونیت قرآن از تحریف بیان کرده است که عبارتند از:

دلیل روایی اول: روایات ارجاع دهنده به قرآن در فتنه‌ها: روایات فراوانی که از طریق شیعه و سنی از پیامبر ﷺ نقل شده است (نک: کلینی، ۵۹۹/۲؛ مجلسی، ۱۳۶/۷۷ و ۱۷۷؛ همو، ۱۷/۹۲).

دلیل روایی دوم: حدیث ثقلین که از طریق فریقین به حد تواتر نقل شده است و از نظر علامه، دلیلی استوار بر عدم تحریف قرآن است.

دلیل روایی سوم: روایات عرضه اخبار و احادیث بر قرآن (نک: طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۰۸/۱۲).

دلیل روایی چهارم: تمسک اهل بیت علیهم السلام به آیات گوناگون. (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۰۸/۱۲).

دلیل روایی پنجم: تأیید نمودن قرآن رایج: احادیثی از اهل بیت علیهم السلام، که قرآن فعلی را همان قرآنی می‌داند که از ناحیه خداوند متعال نازل شده که تنها از نظر ترتیب برخی سوره یا آیات فرق دارد که کمترین تاثیری در اختلاف و اختلال معنای آن ندارد. (نک: مجلسی، ۱۸۸/۶؛ نک: کلینی، ۴۴۵/۱؛ همو، ۶۳۳/۲؛ مجلسی، ۸۸/۸۹؛ طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۰۸/۱۲).

علامه طباطبایی پس از بیان این احادیث، تأکید می‌کند که، این روایات با اختلاف اصنافش، دلیل قطعی است بر اینکه قرآن کنونی، همان قرآن عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، بدون آنکه چیزی از اوصافش را از دست داده باشد. (نک: طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۰۸/۱۲).

۳-۱-۳. بخش سوم: ذکر دلایل معتقدان به تحریف قرآن و پاسخ و استدلال‌های علامه در نقد آنها

برخی از معتقدان به تحریف قرآن به چهار دلیل استناد نموده‌اند که علامه به طور جداگانه به هریک از ادله آنها جواب داده است و دلائل آنها را رد نموده است. (نک: طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۰۸/۱۲-۱۱۸).

۳-۱-۴. بخش چهارم: تحلیل واقعه جمع قرآن در عصر ابوبکر

علامه طباطبایی بحث تاریخی جمع قرآن در زمان ابوبکر را به تفصیل بیان نموده است و درباره جمع بین روایاتی که برخی بر جمع قرآن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و برخی بعد از آن حضرت دلالت دارند، معتقد است که، نهایت چیزی که این روایات بر آن دلالت دارد، این

است که اصحاب در عهد رسول خدا ﷺ سوره‌ها و آیه‌های قرآن را جمع کرده بودند اما اینکه عنایت داشته باشند، که همه قرآن را به ترتیب سوره و آیه‌هایی که امروز در دست ما است و یا به ترتیب دیگری جمع کرده باشند، دلالت ندارد. آری، این طور جمع کردن تنها و برای اولین بار در زمان ابو بکر باب شده است. (نک: طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۲/۱۱۸-۱۲۱).

۳-۱-۵. بخش پنجم: تحلیل جمع قرآن و توحید مصاحف در دوره عثمان

علامه معتقد است که بعد از آنکه تدوین و جمع آوری قرآن در زمان ابوبکر شروع شد، در نتیجه ادامه این کار قرآن‌های مختلفی و قرائت‌های زیادی به وجود آمد و لذا عثمان برای بار دوم به جمع آوری آن پرداخت، گردآوری مصاحف مختلف و جمع و تدوین قرآن براساس یک قرائت در زمان عثمان انجام گرفت (نک: طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۲/۱۲۱-۱۲۴).

۳-۱-۶. بخش ششم: تحلیل جمع قرآن بین‌الدفتین در زمان صحابه

علامه معتقد است که صحابه آیات و سوره‌ها را که در زمان حیات رسول الله ﷺ کامل شده بود، بین‌الدفتین گردآوری نمودند، بدون آنکه کمترین کاهش یا افزایشی در آن صورت گیرد و همان کتاب تاکنون بدون تحریف و به صورت کامل باقی مانده است. لذا علامه نظر خود را در قالب سه نتیجه کلی در پایان فصل بیان می‌کنند:

الف. آنچه بین دو جلد قرآن کریم است، همه کلام خداوند است. نه چیزی بر آن افزوده شده و نه تغییری یافته است و احادیث منقول، احادیث آحادی است که با قرائن قطعی تحریف و تغییر را نفی می‌کند.

ب. ترتیب سوره قرآن کریم در جمع اول و ثانی به دست اصحاب صورت گرفته است (یعنی توقیفی نیست بلکه اجتهادی است) و دلیل این حرف، احادیث زیادی است که رسیده است.

ج. مرتب نمودن آیات به ترتیب فعلی، با توجه به اینکه آیات به طور پراکنده فرود آمده، بدون دخالت صحابه نبوده است. از اخبار جمع اول قرآن، به دست می‌آید که صحابه در این امر اجتهاد، نظر و یا سلیقه خود را به کار برده‌اند. علامه طباطبایی در این مورد ترتیب برخی آیات را اجتهادی می‌داند. علامه معتقد است، اینکه گفته‌اند رسول الله ﷺ می‌فرمود: که فلان آیه را در فلان جا قرار دهید و صحابه نیز آیات را به همین شکلی که در مصاحف نوشته شده، ثبت نمودند و این توقیفی بودن آیات قرآن را می‌رساند، ظاهراً منظورشان اشاره به روایت عثمان بن ابی العاص در مورد آیه کریمه نود سوره نحل است که این حدیث خبر واحدی، پیرامون یک آیه است و ربطی به موضع و محل تمام آیات ندارد. بنابراین علامه طباطبایی جمع و تدوین قرآن را به صورت کامل، در زمان پیامبر ﷺ نمی‌داند. بنابراین معتقد به اجتهادی بودن ترتیب و چینش آیات درون سوره‌ها و ترتیب سوره است. (نک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۲/۱۲۴-۱۳۲).

۳-۱-۷. بخش هفتم: نقد و بررسی روایات تحریف

علامه طباطبایی در آخرین بخش، به تحلیل و نقد احادیث تحریف پرداخته است. (نک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۲/۱۳۲-۱۳۳).

۳-۲. جمع‌بندی مبنای تفسیری عدم تحریف قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی

در باور علامه، هیچ تحریفی، که به صفات عام قرآن مانند معجزه بودن، هدایتگری و ذکر بودنش خدشه‌ای بزند، صورت نگرفته است. دلایل علامه طباطبایی در مصونیت قرآن از تحریف عبارتند از:

۱. به نظر علامه، روشن‌ترین و عمده‌ترین دلیل در باب تحریف‌ناپذیری قرآن فعلی، همین صفات و ویژگی‌هایی است که قرآن کریم برای خودش بیان فرموده است و این صفات و ویژگی‌ها، همچنان پابرجا و باقی است. و این که قرآن فعلی، دارای تمام صفات و

ویژگی‌هایی است که خدا، قرآن نازل شده بر رسول الله ﷺ را به آن توصیف می‌کند. ایشان بر این باور است که، قرآن کریم در متصف بودن به صفات و ویژگی‌هایش، نیاز به دلیل ندارد که ثابت کند این قرآن به آن پیامبر مستند است، نه به دلیل متواتر و نه دلیل متظافر و الهی بودنش، موقوف به این دلیل نیست بلکه قضیه به عکس است. (نک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۲/۱۲۶). به عبارت روشن‌تر، از آن جایی که این کتاب متصف به آن صفات و ویژگی‌های خاص است، مستند به پیغمبرش می‌دانیم. بنابراین این کتاب در این مورد، شبیه هیچ کتاب دیگری نیست چون قرآن کریم، خودش دلیل بر سخن خدا بودنش است. لذا قرآن هر جا و به دست هر کس باشد و از هر راهی که به دست ما رسیده باشد، حجیت و دلیلش با خودش همراه است. ولی کتاب‌ها و رساله‌های دیگر، وقتی می‌توانیم به صاحبش نسبت دهیم که دلیلی آن را اثبات کرده باشد.

۲. قرآن با صفات و ویژگی‌هایی که نوع آیاتش، هم‌اورد طلبی و تحدی نموده و بشر را بر آوردن کتابی مشتمل بر آن صفات و ویژگی‌ها جایز دانسته، اما تاکنون احدی موفق نشده است که حتی سوره‌ای مانند قرآن کریم را بیاورد.

۳. خداوند متعال خود نیز از تحریف ناپذیری قرآن کریم خبر داده است (الحجر، ۹) و با گذشت هزار و چهارصد سال از نزول قرآن بدون تحریف، محفوظ مانده است.

۴. احادیث زیادی که دلالت قطعی دارد که قرآن کنونی، همان قرآن نازل بر پیامبر اکرم ﷺ است و چیزی از ویژگی‌ها و اوصافش کاسته نشده است.

۴. مبنای عدم تحریف قرآن کریم از دیدگاه آیت الله جوادی آملی

یکی از مهم‌ترین مبانی تفسیری آیت الله جوادی آملی در تفسیر وزین تسنیم، اعتقاد به صیانت قرآن، از تحریف است. «تحریف» از نگاه ایشان عبارت است از: خارج ساختن چیزی از وضع طبیعی آن. تحریف به این معنا دو نوع است: تحریف عملی و تحریف علمی. تحریف عملی، عبارت است از این که مفسر دینی، به نحوی رفتار کند که هنگامی دیگران او را مشاهده می‌کنند، گمان کنند که فعل و رفتار او، خواسته دین از انسان است. و تحریف

علمی به چند طریق ممکن است: به گونه‌ای که بر کتاب الهی بیفزایند، یا از آن بکاهند و یا حرکات آن کلمات را تغییر دهند یا بدون هیچ‌گونه تغییری در ظاهر، آیه را تفسیر به رای کنند. (نک: جوادی آملی، قرآن در قرآن، ۳۲۹-۳۳۰).

آیت الله جوادی آملی، ضمن تعریف دقیقی از تحریف، آن را به دو دسته (تحریف عملی و تحریف علمی) تقسیم نموده و تحریف علمی را در چهار وجه دانسته که عبارتند از: تحریف به افزودن، تحریف به کاستن، تحریف در حرکات و اعراب و تحریف معنوی.

آیت الله جوادی آملی در آثارشان با نگاهی عقلانی-وحيانی و بیانی ژرف و قلمی زیبا به موضوع مصونیت قرآن از تحریف پرداخته‌است. ایشان در آثار مختلفشان، هم از تحریف‌ناپذیر بودن قرآن، سخن گفته و هم در مقام پاسخ به شبهات و دفاع از مصونیت قرآن پرداخته‌است. ایشان در بیش از نود و پنج مورد در آثار و تالیفاتش به موضوع مصونیت قرآن کریم از تحریف پرداخته‌است. از جمله در کتاب تفسیر ترتیبی تسنیم؛ همتایی قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام)؛ تفسیر موضوعی (قرآن در قرآن)؛ شریعت در آیین معرفت؛ کتاب نزاهت قرآن از تحریف؛ ادب فنای مقربان؛ سروش هدایت؛ شمس الوحی تبریزی؛ قرآن حکیم از منظر امام رضا (علیه‌السلام)؛ منزلت عقل در هندسه معرفت دینی؛ مهر استاد؛ نسیم اندیشه و... (خنشا، ۲۳۸).

۴-۱. دلایل تحریف ناپذیری قرآن کریم از منظر آیت الله جوادی آملی

آیت الله جوادی آملی در خلال مباحث مختلف در آثار متعددش به دلایل مختلفی اشاره می‌کند. ایشان دلایل عقلی و نقلی را برای مصونیت قرآن از تحریف، ارائه می‌دهد: ایشان دلایل را به دو دسته تقسیم نموده: دلایل عقلی و نقلی (نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۴۴)

۴-۱-۱. دلایل عقلی

آیت الله جوادی آملی دلایل عقلی مختلفی را برای مصونیت قرآن کریم از تحریف، ارائه می‌دهد، مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۴-۱-۱-۱. ضرورت اتمام حجّت و هدایتگری مردم

از منظر عقل برهانی، خاتم الانبیاء بودن پیامبر ﷺ با تحریف ناپذیری قرآن کریم برای بقاء اصل اتمام حجّت بر مردم و هدایت آنها، ملازمه کامل دارد. (جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۴۲-۴۴).

۴-۱-۱-۲. رابطه جدایی ناپذیری اعجاز با مصونیت قرآن از تحریف

معجزه بودن قرآن، با دلایل خاص خودش مانند تحدی قرآن ثابت می‌گردد و موضوعی قطعی و مسلمّ میان همه مسلمین است. با برهان عقلی، رابطه اعجاز قرآن کریم با عدم تحریف آن، اثبات پذیر است؛ به عبارتی از آنجا که معجزه بودن قرآن کریم، امری قطعی و مسلمّ است، قرآن کریم نیز از هرگونه تحریفی مصون مانده است و قبول نمودن احتمال هرگونه تحریفی، به معنی نفی معجزه بودن قرآن کریم است. (نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۴۴-۴۸).

۴-۱-۱-۳. جاری بودن حکمت الهی

عقل حکم می‌کند که قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب هدایت بشر، مصون از هرگونه تحریف و تغییر باشد. زیرا ارسال رسل به پایان رسیده و با تحریف این کتاب، مردم گرفتار ضلالت و تباهی خواهند شد و این با حکمت الهی منافات دارد، زیرا عقلا محال است که خداوند متعال، آخرین رسول و کتاب خود را بفرستد و آنها تحریف شوند اما رسول و کتاب دیگری نفرستد (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۲۵۲/۱۷).

۴-۱-۱-۴. عدم حجیت قرآن با وقوع تحریف

ایشان معتقد است که در صورت بروز تحریف (اعم از کاهش یا افزایش) در قرآن کریم، اعتبار و حجیت آن ساقط می‌شود و چون حجیت قرآن کریم، از امور مسلم و قطعی است، لذا وقوع

تحریف در آن قابل پذیرش نیست. (نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۹۴-۹۸).

۴-۱-۲. دلایل نقلی

دلایل نقلی عدم تحریف قرآن کریم عبارتند از: آیات قرآن کریم، سنت یقینی معصومین علیهم السلام، تواتر قرآن کریم، شهرت محققه به گواهی علمای شیعه و هماهنگی بین قرآن کریم و عترت طاهره علیهم السلام. اینک به بررسی اجمالی هر کدام از این دلایل می‌پردازیم.

۴-۱-۲-۱. دلایل قرآنی

متقن‌ترین دلیل نقلی بر مصونیت قرآن کریم از تحریف، خود قرآن است؛ زیرا قرآن صراحتاً به مصونیت کامل خود از هرگونه تحریف تأکید می‌کند. اگر قرار بود قرآن کریم دستخوش تحریف قرار گیرد، پیش از هر چیزی باید این بخش از آیات را از قرآن کریم حذف می‌کردند تا حداقل از درون خود قرآن شاهدی مخالف و معارض مدعی آنها نباشد. این آیات عبارتند از:

۴-۱-۲-۱-۱. آیه حفظ (الحجر، ۹)

آیت‌الله جوادی آملی این آیه را در قالب ۹ نکته مهم، دلیل بر مصونیت قرآن از تحریف می‌داند. ایشان بیان می‌کند که، خداوند متعال در این آیه کریمه می‌فرماید: ما قرآن کریم را به صورت ذکر محفوظ نازل نمودیم و در آینده نیز آن را از تحریف حفظ می‌کنیم (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۳۴۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، صص ۳۸۰-۴۶۰). این آیه برای اثبات صیانت قرآن از تحریف مورد استناد و استدلال فراوان مفسران فریقین قرار گرفته است از جمله علامه طباطبایی در تفسیر المیزان (۹۶/۱۲-۱۰۴).

۴-۱-۲-۱-۲. آیه نفی باطل (فصلت / ۴۱-۴۲)

ایشان در تفسیر آیه می‌فرماید: قرآن به علت عزیز بودن (شکست‌ناپذیر بودن) و تنزیل از طرف خداوند حکیم حمید، باطل شدنی نیست و از تمام جوانب مصون از بطلان است و همواره عزیز و محمود (ستودنی) است (نک: جوادی آملی، قرآن در قرآن، ۳۳۴). مفسران و علمای زیادی برای اثبات صیانت قرآن از تحریف به این آیه استناد نموده‌اند از جمله علامه طباطبایی در المیزان (۳۹۶/۱۷-۴۰۰).

ع-۱-۲-۱-۳. آیه اطفاء نور الهی (التوبه/ ۳۲)

آیه اطفاء نور، خداوند متعال، بیان می‌کند که دشمنان خدا و قرآن در پی تحریف قرآن کریم هستند و می‌خواهند این نور الهی که مایه هدایت است را خاموش کنند و همچنین آیه بیان می‌کند، که هرگز این خواسته‌ی آنها که برخاسته از آرزوی خام آنهاست عملی نخواهد شد و خدا از نور خود (قرآن کریم) حفاظت خواهد نمود. (جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۶۹-۷۱).

ع-۱-۲-۱-۴. آیه رصد الهی (الجن / ۲۶-۲۸)

این آیه احتمال وقوع هرگونه تحریف را در تمام مراحل دریافت و ابلاغ قرآن کریم، از عصر نزول تا امروز را نفی و رد می‌کند و خداوند متعال از آن مراقبت و نظارت کرده و می‌کند و احتمال وقوع هرگونه تحریف در قرآن کریم، مستلزم عدم مراقبت و نظارت کامل یا خارج از علم و اراده خداوند است و فرض چنین امری پیرامون خدا قبیح و محال است. (جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۷۱-۷۶).

ع-۱-۲-۱-۵. آیات دال بر عصمت ذاتی قرآن کریم

آیت الله جوادی آملی مساله تواتر قرآن کریم را یکی از ادله عدم تحریف قرآن می‌داند. ایشان بیان می‌کنند که جمهور مسلمین بر این باورند که صدور قرآن کنونی، امری حتمی و

قطعی است و به تواتر بین نسل‌ها منتقل شده است و بر این اساس، مسلمان بر این باورند که قرآن کنونی بدون هیچ کم و کاستی از عصر رسول الله ﷺ تاکنون، به دست آنها رسیده است، لذا با وجود چنین تواتری، امکان تحریف وجود ندارد (نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۱۰۶).

ع-۱-۲-۲. دلایل روایی

آیه الله جوادی آملی معتقد است که روایات با ۵ گونه بر تحریف ناپذیری قرآن دلالت دارند که عبارتند از:

۱-۱-۲-۱-۴. روایاتی مبنی بر سیره عملی ائمه علیهم‌السلام در استفاده از قرآن و استدلال به آن. (جوادی آملی، قرآن در قرآن، ۳۴۷)

۲-۱-۲-۱-۴. روایاتی مبنی بر رجوع به قرآن در حوادث سخت و فتنه‌های روزگار. (جوادی آملی، قرآن در قرآن، ۳۴۸)

۳-۱-۲-۱-۴. حدیث متواتر نقلین. (جوادی آملی، قرآن در قرآن، ۹۸-۱۰۱)

۴-۱-۲-۱-۴. روایات عرضه به کتاب (جوادی آملی، قرآن در قرآن، ۳۴۸؛ جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۱۰۱).

۵-۱-۲-۱-۴. روایات تلاوت سوره کامل در نماز و روایات فضایل سور (جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۱۰۳-۱۰۴).

ع-۱-۲-۳. تواتر قرآن کریم

آیت الله جوادی آملی، مساله تواتر قرآن کریم را یکی از ادله عدم تحریف قرآن می‌داند. از آنجا که جمهور مسلمین بر این باورند که صدور قرآن کنونی، امری حتمی و قطعی است و به تواتر بین نسل‌ها منتقل شده است و بر این اساس، مسلمان بر این باورند که قرآن کنونی بدون هیچ کم و کاستی از عصر رسول الله ﷺ تاکنون به دست آنها رسیده است، لذا

با وجود چنین تواتری، امکان تحریف وجود ندارد (نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۱۰۶).

۴-۱-۲-۴. شهادت تاریخ بر عدم تحریف

آیت‌الله جوادی آملی معتقد است: تاریخ اسلام نشان می‌دهد که تلاش‌های منحرفان برای تحریف قرآن هیچ‌گاه ثمر نداده است و برای اثبات این مطلب، دو نمونه بیان می‌کند: ماجرای معروف تاریخی حذف «واو» توسط معاویه در آیه ۳۴ سوره توبه و همچنین جریان حذف «واو» توسط خلیفه دوم در آیه ۱۰۰ سوره توبه. (نک: جوادی آملی، قرآن در قرآن، ۳۳۶-۳۳۹)

۴-۱-۲-۵. هماهنگی قرآن با عترت

ایشان معتقد است که، هماهنگی قرآن کریم و معصومین علیهم‌السلام و جدایی‌ناپذیری این دو ایجاب می‌کند، که مفسر قرآن کریم همواره در محضر سنت معصومین علیهم‌السلام بوده و هرگز هیچ کدام را بدون دیگری نبیند یعنی هم حسبنا کتاب الله، آهنگ مشئومی است و هم حسبنا السنه، نغمه منحوسی است. (نک: جوادی آملی، سروش هدایت، ۲۱/۴).

۴-۱-۲-۶. شهرت محققه به گواهی علمای فریقین

ایشان بر این باور است که شهرت محققه به گواهی علمای شیعه و سنی که به حد اجماع یا اتفاق نظر محققان اسلامی می‌رسد و مفید یقین است و بر مصونیت قرآن کریم از تحریف دلالت می‌کند (نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۱۰۶-۱۰۷).

۴-۲. جمع‌بندی مبنای تفسیری عدم تحریف قرآن از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

آیت‌الله جوادی آملی معتقد است که: با احتمال وقوع تحریف، نه تنها معجزه بودن قرآن

کریم بلکه حجیت قرآن نیز ساقط می‌شود، لذا امکان استفاده از قرآن کریم، منتفی می‌شود؛ بنابراین باید مفسر قرآن قبل از پرداختن به تفسیر آیات قرآن کریم، مصونیت قرآن از تحریف را اثبات کند. (نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۲۹). و تنها علمی که می‌تواند متکفل بررسی اثبات مصونیت قرآن کریم از تحریف باشد، علم قرآنی است؛ زیرا دانش قرآنی عهده‌دار تحلیل و بررسی مسائلی است که باید پاسخ به آنها قبل از ورود به تفسیر قرآن مشخص گردد؛ مانند موضوع عدم تحریف قرآن کریم (نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۳۰). از طرفی ایشان معتقد است که تدوین و جمع قرآن کریم (چینش آیات درون سوره‌ها و ترتیب سور) به صورت یک کتاب مدون و به شکل فعلی در زمان حیات رسول الله ﷺ صورت گرفته است اما به صورت صحیفه‌هایی بوده است و اقدامی که در زمان خلیفه اول صورت گرفت، فقط کنار هم نهادن این صحیفه‌ها و دوختن آنها بوده است و جمع قرآن کریم، در عصر خلیفه سوم نیز به معنی یکسان سازی و وحدت قرائت می‌باشد. بنابراین معتقد به توقیفی بودن چینش آیات درون سوره‌ها و ترتیب سور است. (نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۱۶۳-۱۶۴).

۳-۴. نقد و بررسی نظر علامه در باب مصونیت قرآن از تحریف در نگاه

آیت الله جوادی آملی

آیت الله جوادی آملی، برای نقد گفتار علامه طباطبایی، ابتدا دیدگاه ایشان در المیزان را در چند صفحه بیان نموده و آنگاه به نقد و بررسی آن می‌پردازد و می‌فرماید: علامه طباطبایی معتقد است قرآن کریم در آیات تحدی‌اش، خود را برخوردار از ویژگی‌ها و اوصاف ویژه‌ای دانسته و به همین اوصاف هم‌اوردخواهی نموده‌است و آن ویژگی‌ها و اوصاف مذکور در قرآن کنونی نیز وجود دارد و این موضوع، مشخص می‌کند که در قرآن هیچ‌گونه تحریفی اتفاق نیافته‌است. (نک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۲/۱۰۵-۱۰۷؛ جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۷۶-۸۱).

آیت الله جوادی آملی استدلال علامه طباطبایی با اشکال روبه‌رو می‌داند و معتقد است؛

استدلال به آیات قرآن کریم، برای اثبات عدم تحریف آن، نظیر تمسک کردن به عام در شبهه مصداقی خود عام است و لذا در آن دَوْر رقیقی پنهان است، چون مدعی ما درباره‌ی عدم تحریف قرآن، این است که قرآن فعلی، عین همان قرآنی است که بر پیامبر ﷺ نازل شده است؛ بدون هیچ‌گونه تغییری (نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۸۳-۸۴). دلیل بر این حرف طبق بیان علامه طباطبایی، آن است که قرآن فعلی دارای اوصاف ویژه‌ای است که با ادعاهای اوّلی قرآن سازگار است و هر یک از ادله شاهد قرآنی دارد؛ بلکه شاهد عین مدعاست و کیفیت آیات این کتاب آسمانی شاهد صحت آنهاست؛ لذا شاهد و مشهود متحد شده‌اند. بنابراین، این دلیل برای اثبات آن مدعی عام کفایت نمی‌کند؛ ایشان علت آنرا چنین بیان می‌کند:

زیرا ممکن است قرآن زمان پیامبر ﷺ، شامل ادعاها و شواهد دیگری مطابق با آن ادعاها بوده باشد که همه‌ی آن ادعاها و شواهد از قرآن فعلی، حذف شده است. لذا با این احتمال، از این دو حصر یکی فرو می‌پاشد: الف. هرآنچه در قرآن فعلی است، همگی وحی است و هیچ چیز، جز وحی الهی در آن نیست. ب. تمام آنچه به‌وسیله وحی الهی فرود آمده، در قرآن فعلی جمع شده است. لذا با احتمال وجود آیه‌ای فرود آمده که در قرآن فعلی نیست و نشانهای آن از بین رفته، حصر دوم فرو می‌پاشد (نک: جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۸۴). آیت‌الله جوادی آملی نمونه‌هایی را بیان نموده است، به عنوان نمونه شاید احتمال داده شود که در قرآن عصر رسول‌الله ﷺ، موضوع غیبت امام زمان علیه السلام و مدعی ایشان و وظایف مردم در زمان ظهور بیان شده باشد و با تحریف، تمام این آیات محو و حذف شده است و مشخص است با ادعای دارا بودن قرآن فعلی از ویژگی‌ها و اوصاف عمومی قرآن، جواب دادن به شبهات قائلان به تحریف سهل نخواهد بود و هماهنگی قرآن کنونی و برخوردار از شاهد و مدعا با فرض اینکه تمام آنچه در این مصحف هست آسمانی است، اثبات نمی‌کند که هر آنچه نازل شده، در این قرآن جمع شده است. (نک: جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۸۴-۸۵).

آیت الله جوادی آملی چنین نتیجه می‌گیرد که با برهان علامه طباطبایی گرچه می‌توان اثبات کرد که همه‌ی آنچه در قرآن فعلی است، همان قرآن نازل است، اما نمی‌توان اثبات کرد که تمام آنچه از سوی خداوند نازل شده، در قرآن فعلی جمع شده است. آیت الله جوادی آملی معتقد است، به هر حال استدلال نمودن به آیات قرآن برای اثبات مصونیت قرآن از تحریف مقدور نیست؛ چون با احتمال تحریف به نقصان در بعضی از آیات دیگر، نه تنها حجیت آیات نفی بطلان، حفظ و... متزلزل می‌شود بلکه اصل مستند نمودن آنها به خداوند متعال مورد شبهه و تأمل قرار می‌گیرد؛ زیرا هنگامی می‌توان به الهی بودن آنها اطمینان نمود که معجزه بودن قرآن اثبات شود و وقتی این مهم ثابت می‌شود که تمام آیات در اختیار باشد تا همه‌ی آیات بررسی و عدم تناقض و اختلاف آنها با یکدیگر مشخص گردد؛ چون از مهم‌ترین تحدی این مصحف شریف، هماهنگی سراسر این کتاب با یکدیگر و پیراستگی آن از اختلاف با هم است (النساء، ۸۲) و با در دسترس نبودن برخی از آیات کاهش یافته احتمالی، نمی‌توان اطمینان به هماهنگی و عدم اختلاف آن حاصل نمود و با عدم اطمینان به هماهنگی و انسجام و حیانی بودن این کتاب آسمانی مورد شک و تردید قرار می‌گیرد و با شک در معجزه بودن این کتاب، مستند نمودن آن به خدا، مورد تردید واقع می‌شود و با این تردید، حجیت هر آیه‌ای مورد تأمل قرار می‌گیرد. ایشان در پایان می‌افزاید که البته، شاید از روش اعجاز مشهور و معروف استدلال شود یعنی مثلاً آیات نفی بطلان، حفظ و... هر کدام مختص به سوره‌ای خاص است و خدا تحدی و هم‌اوردطلبی به یک سوره نموده و آوردن مثل سوره، محال عادی است؛ بنابراین هر کدام از سور معهود قرآنی، کلام حتمی و قطعی الهی است و قطع به حیانی بودن آیات مذکور، سند قطعی حجیت آنهاست. آیت الله جوادی آملی بر این باور است که:

«چنین قطع منطقی، اگر مستصعب نباشد، قطعاً صعب است؛ هر چند یقین روان شناختی اگر مستسهل نباشد، قطعاً سهل است. به امید آنکه راه روشن‌تری ارائه شود». (جوادی آملی، نزاهت قرآن از تحریف، ۹۷).

بنابراین اگرچه مصونیت قرآن از تحریف، از مبانی‌ای است که آیت‌الله جوادی آملی بدان معتقد است و آنرا در تفسیر کتاب الهی، شرط می‌داند اما به نظر می‌رسد که دلیل علامه طباطبایی در این باب در نظر آیت‌الله جوادی آملی کافی و شافی نمی‌باشد.

۵. بررسی اشتراکات و افتراقات مبنای تفسیری عدم تحریف قرآن از منظر علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی

مقایسه آراء تفسیری این دو مفسر در مورد مبنای تفسیری عدم تحریف قرآن کریم، دارای اشتراکات و افتراقاتی به شرح ذیل می‌باشد:

۵-۱. اشتراکات دیدگاه دو مفسر

به‌طور کلی می‌توان گفت که مبنای تفسیری صیانت قرآن از تحریف، از مبانی مشترک دو مفسر در تفسیر قرآن کریم است و آیت الله جوادی آملی به تاثیرپذیری از استاد خویش (علامه طباطبایی) در ارائه دلایل عقلی و نقلی در اثبات تحریف‌ناپذیری قرآن کریم با یکدیگر اتفاق نظر دارند و به عقیده هر دو مفسر، در قرآن کریم هیچ گونه تحریفی که به معجزه بودن، هادی بودن و عام‌ترین صفتش (ذکر بودن) خدشه‌ای وارد کند و باعث دگرگونی در معنی آن شود، صورت نگرفته است. دو مفسر بزرگوار در اثبات این مهم، به ادله عقلی، قرآنی و روایی فراوانی و شواهد تاریخی تمسک نموده و مفصل در تفاسیرشان قلم‌فرسایی نموده‌اند. این بحث هم در تفسیر المیزان در چند جا به تفصیل (در هفت فصل جداگانه با دلایل روشن و قطعی) مطرح شده است. هم‌چنین آیت الله جوادی آملی علاوه بر اینکه در این باره تالیفی مجزا با عنوان «نزاهت قرآن از تحریف» دارد، در تفسیر تسنیم نیز به تفصیل به این موضوع پرداخته است. لذا در اصل مصونیت قرآن کریم از تحریف با یکدیگر اشتراک نظر دارند.

۵-۲. افتراقات دیدگاه دو مفسر

با وجود اینکه مبنای تفسیری عدم تحریف قرآن کریم، از مبانی مشترک صدور، دو مفسر در تفسیر قرآن کریم است، اما در کیفیت و تبیین موضوع با یکدیگر اختلاف نظر دارند. از جمله افتراقات دیدگاه دو مفسر عبارتند از:

۵-۲-۱. آیت الله جوادی آملی در ابتکاری، تحریف را به دو نوع عملی و علمی و تحریف عملی را به چهار نوع معنوی، زیاده، نقیصه و تحریف در حرکات، تقسیم نموده است. ۵-۲-۲. آیت الله جوادی آملی، دلایل عقلی زیادی در مورد تحریف ناپذیری قرآن، بیان نموده است و روی نگرش عقلی، تاکید بیشتری دارد که این نشان دهنده اندیشه‌های عقلانی-وحيانی ایشان است. این دلایل عقلی عبارتند از: منافات تحریف با حکمت و لطف الهی، منافات تحریف با برهان نبوت، عدم حجیت قرآن کریم با وقوع تحریف، اثبات تحریف ناپذیری قرآن با اثبات اعجاز و تحدی قرآن.

۵-۲-۳. ایشان همچنین در قسمت دلایل نقلی، به آیات و روایات بیشتری نسبت به علامه طباطبایی استناد نموده‌اند از جمله:

الف. از جمله دلایل قرآنی عبارتند از: الاسراء / ۱۰۵؛ فصلت / ۴۲؛ الجن / ۲۷-۲۸؛ الشعراء / ۱۹۳-۱۹۴؛ التکویر / ۲۱؛ آل عمران / ۱۰۸؛ المائده / ۱۵؛ الصف / ۸؛ التوبه / ۳۲؛ یونس / ۳۷.

ب. از جمله دلایل روایی عبارتند از: روایاتی که سیره عملی ائمه علیهم السلام در استفاده از قرآن و استدلال به آن را نشان می‌دهد؛ روایات رجوع به قرآن در حوادث سخت و فتنه‌های روزگار؛ حدیث متواتر تقلین؛ روایات عرضه به کتاب؛ روایات تلاوت سوره کامل در نماز و روایات فضایل سور.

۵-۲-۴. آیت الله جوادی آملی، نظر استاد خویش (علامه طباطبایی) را مورد نقد و بررسی قرار داده و نظر علامه طباطبایی را مستلزم دوری رقیق دانسته و معتقد است، بر فرض صحت آن، اثبات آن همراه با صعوبت خواهد بود، لذا بین استاد و شاگرد اختلاف

دیدگاه وجود دارد و ریشه این اختلاف دیدگاه آن است که:

الف. آیت الله جوادی آملی، چینش آیات درون سوره‌ها و ترتیب سوره‌ها را، توقیفی می‌داند و جمع و تدوین مصحف شریف را به زمان حیات رسول الله ﷺ نسبت می‌دهد و جمع قرآن در زمان ابوبکر را به معنای در کنار هم قرار دادن صحیفه‌های مرتب و منسجم شده در زمان رسول الله ﷺ دانسته و جمع قرآن در زمان عثمان را به معنای یکسان‌سازی مصاحف می‌داند، در حالی که علامه طباطبایی جمع و تدوین قرآن را در زمان حیات پیامبر ﷺ نمی‌داند و معتقد به اجتهادی بودن ترتیب سوره‌هاست. که به نظر می‌رسد، سخن آیت الله جوادی آملی صحیح‌تر باشد.

ب. همچنین آیت الله جوادی آملی استدلال علامه طباطبایی را در اثبات تحریف ناپذیری قرآن، ناکارآمد و ناکافی می‌داند و به نقد سخن علامه پرداخته است و نظر علامه طباطبایی را مستلزم دوری رقیق دانسته است، که به نظر می‌رسد ملاحظه دقیقی است.

نتایج مقاله

۱. هر دو مفسر در باب مصونیت قرآن از تحریف، قائل به عدم تحریف قرآن کریم هستند و این بحث در تفسیر المیزان در چند مورد به تفصیل، مطرح شده است و محور اساسی این بحث در المیزان، وجود صفاتی است که قرآن با آن در زمان پیامبر ﷺ، تحدی نموده است. آیت الله جوادی آملی نیز علاوه بر اینکه تالیفی مجزا با عنوان «نزاهت قرآن از تحریف» دارد، در تفسیر تسنیم نیز به تفصیل، به این موضوع پرداخته است. بنابراین عدم تحریف قرآن کریم، از مبانی تفسیری مشترک صدوری هر دو مفسر است، اما در جزئیات، تبیین و استدلال و اثبات آن با یکدیگر اختلاف نظر دارند.

۲. آیت الله جوادی آملی، نظر استاد خویش (علامه طباطبایی) را در این خصوص، مورد نقد قرار داده و فرموده است که نظر علامه طباطبایی مستلزم دوری رقیق بوده و بر فرض صحت آن، اثبات آن همراه با صعوبت خواهد بود.

۳. ریشه این اختلاف دیدگاه دو مسأله است:

الف. از دیدگاه آیت الله جوادی آملی، جمع و تدوین قرآن کریم (چینش آیات درون سوره‌ها و ترتیب سوره‌ها) به صورت یک کتاب مدون و به صورت کنونی در زمان حیات رسول الله ﷺ صورت گرفته است، اما به شکل صحیفه‌هایی بوده است و اقدامی که در زمان خلیفه اول صورت گرفت، فقط در کنار هم گذاشتن این صحیفه‌ها و دوخت و دوز آنها بوده است و جمع قرآن کریم در دوره خلیفه سوم نیز به معنی یکسان‌سازی و وحدت قرائات می‌باشد. بنابراین معتقد به توقیفی بودن چینش آیات درون سوره‌ها و ترتیب سوره‌ها است، در حالی که علامه طباطبایی جمع و تدوین قرآن را به صورت کامل، در زمان پیامبر ﷺ نمی‌داند. بنابراین معتقد به اجتهادی بودن ترتیب و چینش آیات درون سوره‌ها و ترتیب سوره‌ها است. که به نظر می‌رسد، سخن آیت الله جوادی آملی صحیح‌تر باشد.

ب. آیت الله جوادی آملی، استدلال علامه طباطبایی را در اثبات تحریف ناپذیری قرآن، ناکارآمد و ناکافی می‌داند و به نقد سخن علامه پرداخته و دلایل در این‌باره را کافی و شافی نمی‌داند و بیان می‌کند که امید است راه روشن‌تری ارائه شود.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، چاپ دوم، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳ ه.ش.
۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه، محقق: مجتبی عراقی، قم: دارسیدالشهداء للنشر، ۱۴۰۵ ه.ق.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ه.ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دارالصادر، ۱۴۱۴ ه.ق.
۵. اشرفی، امیررضا، قرآن مصون از تحریف (بررسی دیدگاه علامه طباطبایی)، نشریه معرفت، ش ۱۲۲، ۱۳۸۶ ه.ش.
۶. انواری، جعفر، انگاره تحریف قرآن، تهران: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰ ه.ش.
۷. آلوسی، محمود، روح المعانی، چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ه.ق.
۸. بابایی، علی اکبر و...، روش شناسی تفسیر قرآن، چاپ اول، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹ ه.ش.
۹. جوادی آملی، عبدالله، قرآن در قرآن، چاپ اول، قم: نشر اسراء، ۱۳۷۵ ه.ش.
۱۰. همو، سروش هدایت، چاپ اول، قم: نشر اسراء، ۱۳۸۷ ه.ش.
۱۱. همو، تفسیر تسنیم، تحقیق و تنظیم جمعی از محققان، چاپ هشتم، قم: انتشارات اسراء، ۱۳۸۸ ه.ش.
۱۲. همو، نزهت قرآن از تحریف. تحقیق علی نصیری. چاپ چهارم. قم: انتشارات اسراء، ۱۳۸۹ ه.ش.
۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، چاپ اول، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۱۰ ه.ق.
۱۴. خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآنی و قرآن پژوهی، چاپ اول، تهران: انتشارات ناهید و دوستان، ۱۳۸۱ ه.ش.
۱۵. خوئی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول. تهران: دارالتقلین، ۱۳۷۸ ه.ش.
۱۶. خنشا، علیرضا، تبیین اندیشه های عقلانی و حیاتی آیت الله جوادی آملی درباره تحریف ناپذیری قرآن، فصلنامه مطالعات قرآنی، ش ۴۱، ۱۳۹۹ ه.ش.
۱۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ه.ش.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، چاپ دوم، دمشق: دارالعلم الدار الشامیه، ۱۳۷۴ ه.ش.
۱۹. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، چاپ ششم، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۴ ه.ش.
۲۰. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ه.ق.
۲۱. سبحانی، جعفر، سیما عقاید شیعه، مترجم: جواد محدثی، چاپ دوم، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۶ ه.ش.
۲۲. سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چاپ سوم، قم: انتشارات قدس، ۱۳۸۳ ه.ش.
۲۳. شاکر، محمد کاظم، مبانی و روش های تفسیری، چاپ اول، قم: انتشارات مرکز جهانی علوم انسانی، ۱۳۸۲ ه.ش.
۲۴. شریفی، محمد، تحریف ناپذیری قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی، نشریه بینات، ش ۶۷، ۱۳۸۹ ه.ش.
۲۵. طباطبایی، سید محمد حسین، قرآن در اسلام، چاپ یازدهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵ ه.ش.
۲۶. همو، میزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ه.ق.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ه.ش.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن، التبیان، قم: مکتب الاعلام الاسلامیه، ۱۴۰۹ ه.ق.
۲۹. طبیب، سید عبدالحسین، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۶۹ ه.ش.

۳۰. عسقلانی، ابن حجر، احمد بن علی، فتح الباری، چاپ دوم، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۷ه.ق.
۳۱. عمیدزنجانی، عباسعلی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳ه.ش.
۳۲. عمید، حسن، فرهنگ عمید، چاپ بیست و یکم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۰ه.ش.
۳۳. فخررازی، محمدبن عمر، مفاتیح الغیب، چاپ دوم، بیروت: دارالحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ه.ق.
۳۴. قرائتی، محسن، تفسیر نور، قم: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۹۲ه.ش.
۳۵. قرشی، سیدعلی‌اکبر، تفسیر أحسن الحدیث، چاپ سوم، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ه.ش.
۳۶. همو، قاموس القرآن، چاپ سوم، تهران: دارالکتب، ۱۳۷۵ه.ش.
۳۷. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ه.ق.
۳۸. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، تحقیق جمعی از محققان، چاپ دوم، تهران: المکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۳ه.ق.
۳۹. محمدی ری‌شهری، محمد، درآمدی بر تفسیر جامع روایی، چاپ اول، قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۹۰ه.ش.
۴۰. محمدی، فتح‌الله، سلامه القرآن من التحریف، تهران: مشعر، ۱۳۷۸ه.ش.
۴۱. مصباح، محمدتقی، قرآن‌شناسی، تحقیق و نگارش محمود رجبی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰ه.ش.
۴۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ه.ش.
۴۳. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۶ه.ق.
۴۴. همو، تاریخ قرآن، قم: دارالقرآن، ۱۳۸۴ه.ش.
۴۵. همو، صیانة القرآن من التحریف، قم: دارالقرآن، ۱۳۸۶ه.ش.
۴۶. معین، محمد، فرهنگ معین، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۱ه.ش.
۴۷. مودب، سیدرضا، مبانی تفسیر قرآن، چاپ اول، قم: انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۸۸ه.ش.
۴۸. همو، روش‌های تفسیر قرآن، چاپ سوم، قم: انتشارات یاران، ۱۳۹۳ه.ش.
۴۹. میبیدی، محمدفاکر، قواعد التفسیر لدى الشیعه و السنه، چاپ اول، طهران: الجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامیه، ۱۴۲۸ه.ق.
۵۰. نجارزادگان، فتح‌الله، تحریف ناپذیری قرآن، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۴ه.ش.

